

عنوان مراسلات  
 طهران خیابان ناصریه  
 اداره توزیع کل جراید  
 مدیر مسئول  
 آقا سید حسین  
 مکتوبات بی امضا و بی عنوان واضح  
 ولی اجرت پست اعتبارت

# تجدید

اشتراک سالیانه  
 طهران ۵ قران  
 سایر بلاد ۱۰ قران  
 مالک خارج ۵ قران  
 قیمت تک نمره  
 در طهران ۳ شاهی  
 سایر بلاد قیمت اعلاات ۳ شاهی  
 سطره ۵ شاهی

مشروطه نگهدار که مشروطه نکوت ( ۱۳۲۸ ) رمضان المبارک ۱۳۲۹ ( هم لایق دشمن است هم لایق دوست )

سزای خود بدیدند ترکمنها  
 کجا بر قشایان بود این کجانه

ترکان کمال عجز نیکوید ای پارت  
 از برای خدا ما تقصیر نداریم  
 هر چه میکند ترک میکند



کندفت تمام آداب ترکمنها  
 داخله خارج بهر طرف از دست  
 پیش ازین وجه بودیم  
 کلاه و شمشیر آداب  
 و انتظار ما بوده

### بقیه از شماره قبل جواب و سؤال

### جناب سردار با منجر روزنامه (تان)

من شما را میگویم ما از مشروطیت و طاعت اترسی نداریم  
 که در آن نگردد با و آسبی سیرند و در طهران بستند  
 بختیار بیای با اخلاص نسبت بشروطه که در فرمان بردار  
 دولت ایران که بجز طرف فرزانان بدینند حاضرند  
 و اینکه بعضی اخبارات آلمانی میگویند ما بجز دایتم  
 در طهران باز در مسیح و مرج رواج خواهد گرفت  
 و این مطلب را بنام کردیم که از برای ترضی که ایران  
 میخواست در لندن بکنند و شواری پیش نیاید این مطلب  
 عاری از صحبت است چرا که دولت ایران سه ماه قبل  
 در کار استعراض بود و با تمام رسانید و بانک متعهد شد  
 در ادای او و با ضمانت او را گرفتیم و گذاریم تا بهنگام  
 صدورش و ما چون در استعراض نمودن تازه کاریم  
 چندان از زیر و بالا شدن حالات (بورس) اطلاع  
 نداریم  
 چه در غای بورس تجارتگاه مخصوصی است که در آنجا نرخ  
 بروات و اسحام و اجناس تغییر و بالا و پایین میشود  
 و شما ای جناب منجر قدری تفکر نماید در این حوادث  
 متفرقه که هر یکیش برای مشروطیت ایران بسیار خطر بود  
 و اصلاح شد و ما این مدت دو سال همه ایش مشغول  
 اینست دادن راهها و شخصه با ویم و قلع دزدانیکه  
 پانصد و شصت هاند یکو همای مرتفع صعب المور

برای ایران وقت میخواهد تا آنها را ریشه کن نماید  
 و اگر برای محمد علی ممکن شود که دور خود جمعیتی کند  
 و حرکتی نماید بی ثمرات و برای دولت ایران بسیار است  
 که او را از میان بردارد بچنانکه برای دولت آسان است  
 که اطرافیان سالارالدوله را برانگیزد و در هر صورت  
 برای دولت ایران یک مشکل بزرگی که حرمت اتفاق نام  
 دولتین روس و انگلیس در سنه ۱۹۰۹ بابت معرفی  
 محمد علی باشد حل گردید - و پس ازین دولت ایران  
 این پول شکفت که با و میداد در راه منافع عمومی مصروف  
 خواهد کرد - پس ازین بیانات سردار اسعد گفت  
 چند روزی که در پاریس سیم و پس بطرف آلبانی  
 مدنی رفت که مداوی بکنم زیرا خاطر جمع هستم که در خیابان  
 هستند اشخاصی از بختیاری که در خدمت بدولت  
 از جان خدمتگذارند (چهره نا)

توجبات منصفانه برخی ارباب جراید داخله  
 و خارج را به بیانات و وطن خوانند بیکانه فدالی و ا  
 وطن عزیز خود ایران آقای سردار اسعد معطوف میدارم

### درخواست و استدعا

اولیا و دیگران جراید داخله که کالت روزنامهشان بجهت چاپ  
 بیکانه دانشند آقا میرزا محمد علی وکیل جراید در قول است متمنی که ازین  
 بجهت خطوط و جرائد که بنام شارا ایضاً میفرستند از طریق خرم آباد لرستان  
 به زفول ارسال دارید که خیلی زودتر و سلامت خواهد رسید  
 و لاف آنهارا که بعد حکم فرستاده امید که در راه پاره و کسیف نشود  
 و کالت جاری کنیم بجهت مشارکت در نشریات و بزرگواران

### ادبیات

خواهر کجی عیبه طوفان آید شایه شبها شبها ز بایران آید  
 این جنگ دوباره تنگ بر تنگ است  
 از خویش گذشته بر سر جان آید  
 قوی که بود جهاوشان شین نهاد فیروزیشان بجنگ باشد بجهد  
 هم حمله بخصم تا بیک حمله شد  
 خار سراه خارشان رفت بباد  
 سردار سپاه او رشید سلطان دید که بخون خویش غلطان  
 ترکش نبود ترکا نخواست از فرار  
 این واقعه اشعرا شدی در طغان  
 آن جنگ عجب خار باخواری آید مشروطه ز مستبدی کشت بر آید  
 شای که شده سلطنت خلع بدید  
 جای همه سپاه کشته بزار  
 خوشخواه رشیدان بیاید آید از رشاد فاد و کشته شدی مقصد  
 بر جنگ وزیر جنگ تا نقش کشید  
 از شد میان بخون خود غلغلده  
 فیروز بجنگ شد رئیس الوزرا هم نایب سلطنت فتح آن کار و  
 میمون و مبارک است این نصرت فتح  
 بر شاه و وزیر وقت و هم و کلا  
 جای شه مخلوع چو ساری شد خون از سپهرش جاری باشد  
 هر جا که سپاه خویش نامور کند  
 آغشته بخون و زخم کاری باشد  
 این فتنه که روس ده بوش از عهد گشتنش در انبوش  
 بنیروز با که که فتنه شعله  
 دید که خیالش همه بگوشید

همایه باز فتنه پیدا نمود آنچه که غرور در راه با و نمود  
 برار شد شاه خلع ارشاد نمود آمد شد تن ز سر نهاد نمود  
 دولت که بد و تکی شود عهد شکن  
 اندر در دوستی او باد لجن  
 ضرب اشل دول کونون توک کرده که نیت اعتبار شکن  
 عهدی که بتازه با مسلمان نمود  
 در حفظ ملک ملک ایران نمود  
 ملت دو کرد حاضر خوش شد دیگر بچه رهش میان نمود  
 هر روز بکین با چرا حمله کند  
 بگشتن همایه خود بد کند  
 با این عماش هنوز دارد امید از نیت با بگشتن کید کند  
 شای که شده خلع بفر غلبه  
 هرگز نشود طلا منتری جلده  
 بر قالب او نشان ز شاهی نمود در علم قیاد و اندازین طلبه  
 شاه مشروطه با احمد اوت  
 مشروطه جو مغز مستبدان شد تو  
 مشروطه کند ار که مشروطه کت هم لایق دشمن است و قابل  
 اکنون که ز رشاد فاد افاده بجا ک  
 با حسرت فیروزی و چشم نازک  
 از همت بختیار و مصاص و سردار سپاه خصم کرده بد  
 در قلعه سفید با چنین روز سپاه  
 محصور و شاه مستبدین سپاه  
 بر جبار خصم کی خدا فتح ده لاجل و لا قوه الا بالله  
 تا نظم سخن ز جارجی جاری شد  
 محصوری شد بقلعه و ساری شد  
 چون آب روان عین دولت بصفای در کوه و شهر و خانه جاری شد



اینگونه علم پیش ما درین وضع پیشده و در شهرها  
 مشروطه که در آن شهرها بود  
 اوست که بگویم در آن شهرها بود

ماتشایان پیش میخان ارشد الله که در میدان توپخانه حاضرند از جمله فرنگیان خارج است که با ما دههای خود میگویند ایران مشروطه است

۳۰۰